

محدودیت سفر زیارتی عتبات در دوره پهلوی اول در آینه اسناد نویافته^۱

زیارت عتبات عالیات در سنت شیعی، علاوه بر سفر مذهبی و زیارتی، امتداد پیوند تمدنی و مذهبی شیعیان با مرکزیت معنوی اهل بیت (علیهم السلام) در نجف، کربلا، کاظمین و سامراست. این پیوند عمیق فرهنگی در طول تاریخ شیعه فراز و نشیب هایی را تجربه کرده است. در دوره پهلوی اول، این پیوند در بستر سیاست های کنترلی و تجددگرایانه حکومت، با تنگناهایی جدی روبه رو شد؛ به گونه ای که در برخی مکاتبات برجامانده از عتبات، از کاهش محسوس زائران ایرانی و خلوت شدن مشاهد مقدسه عراق سخن رفته است. این محدودیت های زیارتی البته پدیده ای منفرد نبود؛ بلکه آغازگر زنجیره ای از سیاست های دین زدایانه رضاخان محسوب می شد که چند سال بعد، همزمان با سایر اقدامات ضدفرهنگی و هنجارشکنانه همچون کشف حجاب اجباری، به ممنوعیت مطلق اقامه عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) و سرکوب شعائر مذهبی در ایران اسلامی انجامید.

سندی که در این یادداشت محور تحلیل قرار می گیرد، نامه ای ارزشمند از آقا شیخ عبدالمجید حمزه کفشار کاظمین به جناب آقای محمدباقر متولی باشی، تولیت وقت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، به تاریخ ۹ اسفند ۱۳۰۹ است؛ مکاتبه ای که نویسنده آن با لحنی صمیمی و در عین حال رسمی، از احوال عتبات گزارش داده و به صراحت می نویسد: «به واسطه سخت گیری دولت علیه ایران زوار ایرانی هم کمتر به عتبات عالیات مشرف می شوند و به این علت این مشاهد مقدسه خالی از ازدحام و خلوت می باشد». این فراز، شاهی سند بر وضعیت زیارت در روزگار فشار اداری و سیاسی پهلوی اول است.

اسناد نویافته دیگر در مرکز اسناد آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، پرده از واقعیتی دوگانه برمی دارند: از یک سو گزارش هایی از خلوتی مشاهد مشرفه به دلیل فشار حکومتی، و از سوی دیگر، نقش میانجی گرانه و فعال تولیت آستان فاطمی در ریزنی با مقامات سیاسی برای تسهیل سفر ارادتمندان. از این رو، این یادداشت با تکیه بر دو سند کلیدی و با نظر به مجموعه ای از مکاتبات مشابه، می کوشد بخشی از زیست مذهبی شیعیان در عصر عسرت پهلوی اول را بازخوانی کند. این رویکرد نشان می دهد که تاریخ نگاری زیارت نباید تنها به بخشنامه های دولتی محدود بماند، بلکه واقعیت ملموس تاریخی را باید در لابه لای نامه های غیررسمی کارگزاران و خادمان اماکن زیارتی جستجو کرد.

۱. سندپژوه و نویسنده: محمدباقر مشکاتی

● هویت و جایگاه سندی «شیخ عبدالمجید حمزه کفشدار کاظمین»

برخلاف تصور نخستین که ممکن است نویسنده نامه را زائری ایرانی و گذری در عتبات بپندارد، بررسی قرائن درون‌متنی و تحلیل ساختاری سند، فرضیه‌ای دیگر را تقویت می‌کند؛ فرضیه‌ای که بر اساس آن، فرستنده نامه یکی از کارگزاران عالی‌رتبه و مستقر آستان مقدس کاظمین بوده است. نام عربی نویسنده، یعنی «شیخ عبدالمجید حمزه»، و نیز عدم استفاده از تعابیر متعارف زائران مسافر، نشان می‌دهد که او به احتمال زیاد نه زائری موقت، بلکه شخصیتی بومی یا دست‌کم مقیم و مستقر در جوار حرم کاظمین بوده است.

این احتمال با تعبیری که در متن نامه آمده، استحکام بیشتری می‌یابد: «در تحت قبه منوره مطهره باب الحوائج و باب المراد سلام الله علیها دائماً خواستار بوده و خواهم بود». چنین عبارتی بیش از آنکه از زبان یک زائر موقت صادر شود، از پیوندی دائم و روزمره با فضای حرم خبر می‌دهد؛ پیوندی که از جایگاه یک خدمتگزار مستقر و وابسته به ساختار حرم قابل فهم‌تر است.

از سوی دیگر، عنوان «کفشدار» نیز در سنت خدمت‌رسانی آستان‌های مقدس، صرفاً دلالت بر یک منصب اجرایی ساده ندارد، بلکه در بسیاری از ادوار، عنوانی افتخاری و نشان‌دهنده خاکساری، شرف خدمت و انتساب رسمی به تشکیلات آستان بوده است. از این منظر، می‌توان احتمال داد که «کفشدار» در این سند، نشانه‌ای از موقعیت رسمی نویسنده در ساختار خدمت حرم کاظمین باشد. وجود مکاتبات متعدد و مشابه میان متولی‌بashi قم و «شیخ عبدالمجید حمزه کفشدار» نیز از استمرار رابطه‌ای ساختارمند و رسمی میان دو سوی مکاتبه حکایت دارد. سند شماره: ۹۰۲۸۱۲ (به تاریخ ۱۳۱۰ ش) با موضوع احوال‌پرسی و سند شماره ۹۰۲۸۷۳ (به تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۱۱)؛ نامه متولی‌بashi به شیخ عبدالمجید حمزه برای تشکر از ارسال کارت پستال عید مولود حضرت سید الشهداء (علیه السلام)، تنها نمونه‌هایی از این نوع مکاتبات است. این ارتباط پیوسته، ریشه در قرابت معنوی و نسبی عمیق میان آستان مقدس فاطمی در قم و حرمین شریفین کاظمین دارد؛ چرا که هر دو بارگاه، در نسبت با ساحت نورانی حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) تعریف می‌شوند و همین پیوند، زمینه‌ساز تعاملات نهادی مستمر میان خادمان و متولیان آن‌ها بوده است. از منظر سندشناسی، این ادبیاتِ توأمان محترمانه و گزارش‌گونه، نشان‌دهنده یک شبکه ارتباطی نهادینه، و مبتنی بر اعتماد متقابل میان کارگزاران اعتاب مقدس در دو کشور است.

● گزارش خلوتی مشاهد مشرفه عراق در دوره پهلوی اول

سند نخست (ش.س: ۹۰۲۱۴۷)، نامه‌ای از کاظمین به قم است؛ نامه‌ای که تاریخ آن ۱۰ شوال ۱۳۴۹ق (۹ اسفند ۱۳۰۹ش) ذکر شده و پاسخ آن در ۱۹ اسفند ۱۳۰۹ش صادر شده است. این مکاتبه، افزون بر بار عاطفی و دعایی خود، از چند لایه معنایی مهم برخوردار است: نخست، پیوند اداری و معنوی میان خادمان و متولیان آستان‌های شیعی؛ دوم، استمرار سنت دعا و مکاتبه میان زائران عتبات عالیات و آستان فاطمی؛ و سوم، بازتاب مستقیم وضعیت سیاسی و اجتماعی زائران ایرانی در دوره پهلوی اول.

در این سند، نویسنده با لحنی آرام و گزارشی، خطاب به متولی‌باشی قم می‌نویسد: «به واسطه سخت‌گیری دولت علیه ایران، زوار ایرانی هم کمتر به عتبات عالیات مشرف می‌شوند و به این علت این مشاهد مقدسه خالی از ازدحام و خلوت می‌باشد». اهمیت این عبارت در آن است که از موضع تحلیل سیاسی یا اعتراض آشکار صادر نشده، بلکه گزارشی عینی از وضع موجود است؛ و همین، ارزش سندی آن را دوچندان می‌کند.

این فراز، چند دلالت مهم تاریخی در بر دارد. نخست آنکه از وجود محدودیت‌های ساختاری و اداری در مسیر زیارت حکایت می‌کند؛ محدودیت‌هایی که در قالب سخت‌گیری‌های دولتی، امکان تردد آزاد زائران ایرانی به عراق را کاهش داده بود. دوم آنکه اثر این سیاست‌ها، تنها در سطح تصمیمات اداری باقی نمانده، بلکه به‌طور ملموس در حیات زیارتی شهرهای مقدس عراق انعکاس یافته و به خلوتی محسوس مشاهد مشرفه انجامیده است. سوم آنکه این نامه نشان می‌دهد حافظه زیارتی شیعیان و خادمان حرم، نسبت به چنین محدودیت‌هایی حساس بوده و آن را در قالب نامه‌نگاری و مکاتبه ثبت می‌کرده است.

با این همه، باید در تحلیل سند جانب دقت را نگاه داشت. این نامه، گواهی روشن بر «سخت‌گیری حکومت» و «کاهش محسوس زائران» است، اما به تنهایی برای اثبات یک «ممنوعیت مطلق و فراگیر» کفایت نمی‌کند. از این‌رو، ارزش آن نه در صدور یک حکم کلی، بلکه در نشان دادن فضای محدودکننده، کاهش تردد، و امنیتی‌شدن مسیر زیارت در آن مقطع تاریخی است. تطبیق تاریخ این سند با قوانین محدودکننده خروج از کشور در اواخر دهه ۱۳۰۰ شمسی، ارزش استنادی این نامه را در بازتاب دقیق تبعات اجتماعی تصمیمات حاکمیتی اثبات می‌کند.

• کنشگری آستان فاطمی در تسهیل سفر زیارتی به عتبات عالیات

در برابر این سخت‌گیری‌ها، آستان مقدس فاطمی صرفاً دریافت‌کننده گزارش‌ها نبود، بلکه در مواردی به‌صورت فعال در مسیر گشودن گره‌های اداری زائران مداخله می‌کرد. یکی از اسناد مهم در این زمینه، سند شماره ۹۰۲۸۶۸ است؛ سواد مراسله متولی‌باشی به سرتیپ محمدحسین آیرم، رئیس تشکیلات نظمیه کل کشور، به تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۱ ش. متن بازخوانی سند بدین شرح است:

[۱۶ بهمن ۱۳۱۱ سواد مراسله کربلای ؟ رئیس محترم تشکیلات نظمیه است.]

«به عرض اجل عالی می‌رساند: پیوسته بقا سلامت و دوام عزت و جلالت وجود مسعود محترم را از خداوند و اجداد اطهار مسئلت دارم چون آقای حاجی مصطفی خان آدابی وکیل انجمن بلدی قم. مخصوص با داعی دارد عزیمت تشرف عتبات عالیات را دارد برای رسیده گی به امور یکی از اقوام خود تمنا می‌نماید جواز مسافرت دو نفر مرد و دو نفر زن امر به صدور فرموده زودتر برود مراجعت کند باعث آسایش جمعی و تشکر داعی خواهد بود ایام شوکت و جلالت برقرار باد. [امضا]

طهران خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی آقای سرتیپ آیرم رئیس محترم تشکیلات نظمیه دام اجلاله ملحوظ افتد»

در این نامه، متولی‌باشی با بهره‌گیری از جایگاه مذهبی و اجتماعی خود، برای «حاجی مصطفی خان آدابی»، وکیل انجمن بلدی قم، و همراهانش درخواست صدور جواز سفر می‌کند. در متن نامه آمده است: «تمنا می‌نماید جواز مسافرت دو نفر مرد و دو نفر زن امر به صدور فرموده زودتر برود مراجعت کند باعث آسایش جمعی و تشکر داعی خواهد بود». همین عبارت، به‌خوبی نشان می‌دهد که سفر به عتبات در آن دوره، امری عادی و بی‌نیاز از مجوز نبوده، بلکه مستلزم عبور از مجاری سخت‌گیرانه اداری و انتظامی بوده است.

اهمیت این نوع اسناد در آن است که نشان می‌دهد تولیت آستان مقدس فاطمی، در عمل به ملجأ زائران و واسطه‌ای مؤثر میان مردم و دستگاه اداری کشور تبدیل شده بود. مجموعه اسناد موجود در مرکز اسناد آستان، به‌ویژه نامه‌های مشابه برای اخذ جواز سفر، دلالت دارد که متولی‌باشی در موارد متعدد برای زائران، خادمان و حتی برخی رجال، توصیه‌نامه و درخواست رسمی صادر می‌کرده است تا امکان تشرف به عتبات عالیات فراهم شود.

در برابر این مساعدت‌ها، زائران نیز پس از تشرف، این حمایت را بی‌پاسخ نمی‌گذاشتند. نامه‌های تشکرآمیزی که از عراق به آستان مقدس ارسال می‌شد، نشان می‌دهد آنان ضمن اظهار محبت و قدردانی، از انجام «زیارت نیابتی» و دعا برای متولی‌باشی و خاندان او در حرم‌های مطهر عراق خبر می‌دادند. سند شماره: ۹۰۳۴۸۹ به تاریخ ۱۳۱۳، حاوی نامه نظام التولیه درباری به متولی‌باشی، نمونه‌ای از این اسناد است. بدین‌سان، نوعی شبکه اجتماعی- مذهبی میان آستان فاطمی، زائران و عتبات عالیات شکل گرفته بود که در برابر فشارهای حکومتی، پیوند ایرانیان را در دل فرهنگ زیارت، زنده نگه می‌داشت. این کنشگری نهادی، جایگاه تولیت را از یک متصدی صرف امور موقوفاتی، به یک پناهگاه اجتماعی و مرجعیت تسهیل‌گر برای امور شرعی و عرفی مردم ارتقا داده است.

● زیارت عتبات عالیات؛ از عسرت پهلوی تا حماسه اربعین

مقایسه گزارش «خلوتی مشاهد مشرفه» در دوره پهلوی اول با شکوه بی‌سابقه حماسه اربعین در روزگار معاصر، از تحولی بنیادین در تاریخ زیارت شیعی حکایت دارد. اگر در آن روزگار، خادم مستقر کاظمین از خلوتی حرم‌ها به سبب «سخت‌گیری حکومت پهلوی» خبر می‌داد، امروز زیارت اربعین در عصر جمهوری اسلامی به جلوه‌ای جهانی از اراده مذهبی مردم، همبستگی ایمانی و احیای هویت و تمدن شیعی بدل شده است.

نقش تاریخی آستان فاطمی نیز در این میان قابل تأمل است. آستانی که روزگاری با نامه‌نگاری برای صدور یک جواز سفر، می‌کوشید چراغ زیارت را خاموش نشده نگاه دارد، امروز در مقیاسی بسیار گسترده‌تر با دایر کردن موکب (۱۰۸۰ در مسیر راهپیمایی نجف اشرف به کربلای معلی)، در خدمت‌رسانی به زائران حسینی و پشتیبانی از حرکت عظیم اربعین، حضوری پررنگ دارد. از این منظر، می‌توان گفت آنچه امروز در هیئت یک «حرکت عمومی» و مردم‌پایه در اربعین دیده می‌شود، ریشه در همان پیوندهای تاریخی، شبکه‌های خادمی، و مقاومت نرم مذهبی دارد که اسناد دوره پهلوی اول از آن پرده برمی‌دارند.

این تقابل تاریخی، فقط مقایسه دو مقطع زمانی نیست، بلکه مقایسه دو منطق اجتماعی و سیاسی است: یکی منطق تحدید و کنترل زیارت، و دیگری منطق احیای هویت دینی و اتصال مردمی در گستره فراملی. از همین رو، اسناد آستان فاطمی در باب عتبات، تنها اوراقی اداری نیستند، بلکه شواهدی زنده از پایداری تاریخی فرهنگ زیارت در میان شیعیان ایران به شمار می‌روند. این سیر تطور تاریخی مبتنی بر اسناد، به روشنی اثبات می‌کند که حرکت‌های عمومی و مردم‌پایه در حفظ شعائر، همواره پویایی خود را در برابر موانع تحمیلی حفظ کرده‌اند.

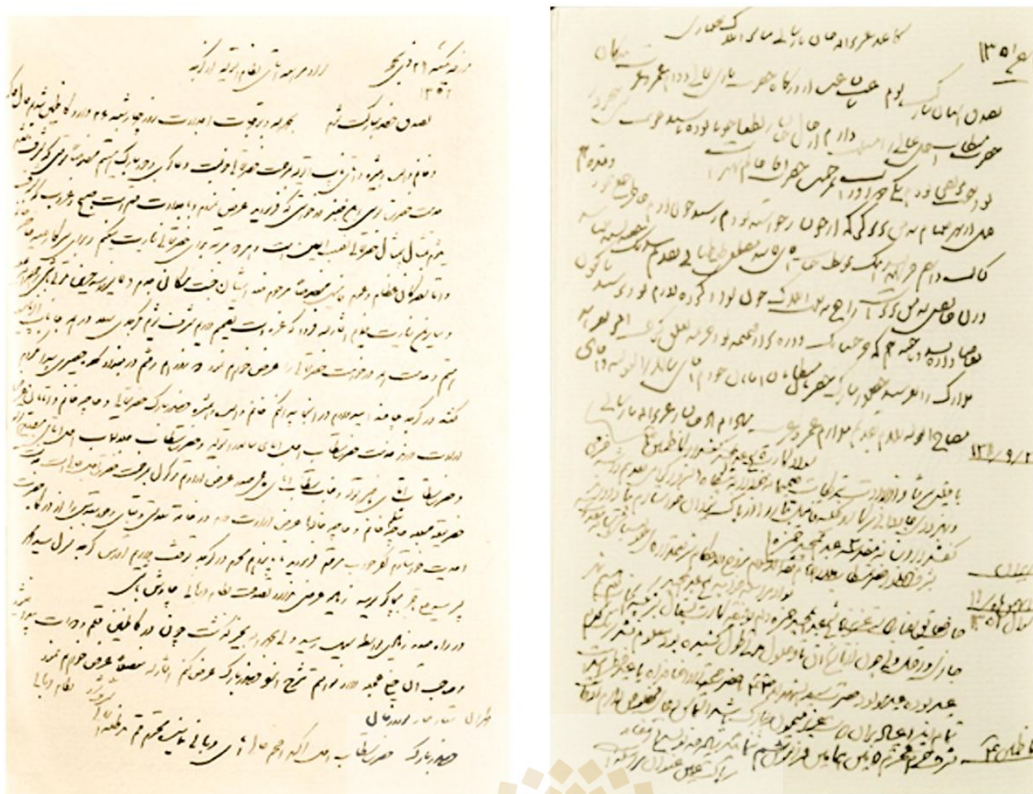
جمع‌بندی اینکه؛ نامه شیخ عبدالمجید حمزه کفشار، سندی ارزشمند از استمرار پیوندهای تولیتی و خادمی میان قم و کاظمین در روزگار عُسرت زیارت اعتاب مقدس عراق است. این مکاتبه نشان می‌دهد که علیرغم سخت‌گیری‌های پهلوی اول و کاهش محسوس حضور زائران ایرانی در عتبات، شبکه ارتباطی خدام و متولیان آستان‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) گسسته نشد و آستان مقدس فاطمی در حد توان، نقش محوری خود را در حفظ و تسهیل پیوند مقدس زیارتی در بین شیعیان ایران و عراق ایفا کرد.

در کنار آن، سند مکاتبه متولی‌باشی با رئیس نظمیه کل کشور نیز بُعد دیگری از همین واقعیت را آشکار می‌سازد: تولیت آستانه، تنها شاهد محدودیت‌ها نبود، بلکه به‌صورت عملی در مسیر رفع آن‌ها برای زائران مداخله می‌کرد. از این رو، این‌گونه مکاتبات را باید فراتر از اسناد اداری، به‌مثابه اسناد «مقاومت نرم مذهبی» در برابر تحدیدهای حکومتی خواند. به بیان دیگر، ایجاد محدودیت در مسیر زیارت در دوره پهلوی اول، نقطه‌شروعی بر یک پروژه استعماری وسیع‌تر هویت‌زدا بود که اندکی بعد خود را در قامت سرکوب‌خشی عزاداری‌ها و کشف حجاب نشان داد؛ پروژه‌ای که با وجود تمامی این فشارها، در مواجهه با ریشه‌های عمیق اعتقادی جامعه مسلمان ایرانی ناکام ماند.

بازخوانی این اسناد، گذشته از ارزش آرشیوی، در فهم ریشه‌های تاریخی پدیده‌های معاصر زیارت، به‌ویژه حماسه اربعین، نیز راهگشاست؛ زیرا نشان می‌دهد پیوند ایرانیان با عتبات عالیات، حتی در دوره‌های فشار و تضییق نیز نه‌تنها از میان نرفته، بلکه در لایه‌های نهادی، عاطفی و مردمی تداوم یافته است. این بازخوانی مستند، ضرورت توجه عمیق‌تر به تاریخ شفاهی و مکتوب متولیات و خادمان اماکن زیارتی را به عنوان راویان صادق پایداری فرهنگی در دل بحران‌های اجتماعی و تاریخی، بیش از پیش نمایان می‌سازد.

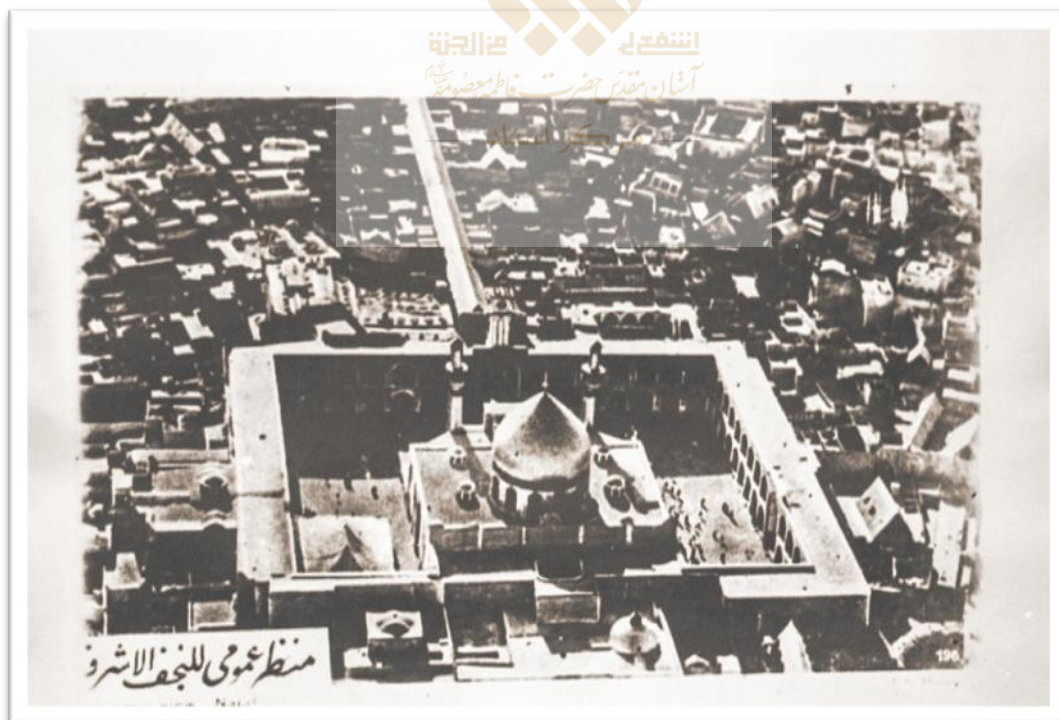
تصاویر پیوست سندی:

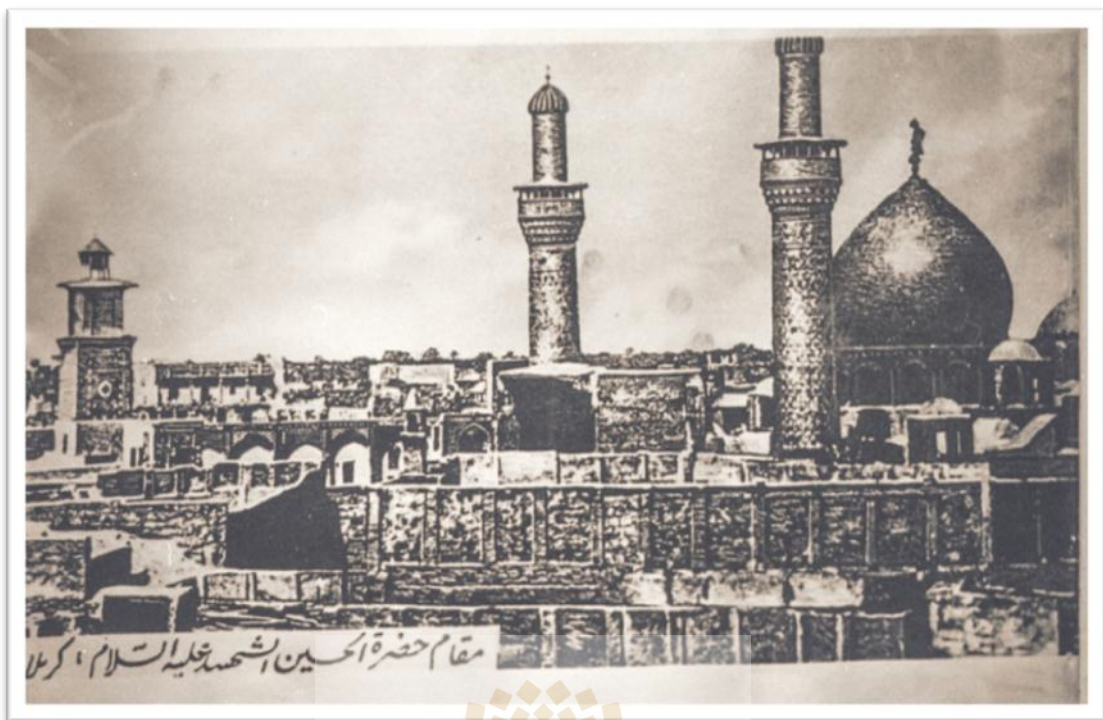
۱. نامه شیخ عبدالمجید حمزه کفشار کاظمین به متولی‌باشی آستان مقدس فاطمی. (۱۰ شوال ۱۳۴۹ ق و پاسخ آن به تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۹).
۲. سواد مراسله متولی‌باشی آستان مقدس فاطمی به سرتیپ محمدحسین آیرم، رئیس تشکیلات نظمیه کل کشور. (ش.س: ۹۰۲۲۸۶ به تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۱ ش).
۳. نمونه‌ی اسناد «نیابت زیارت» از طرف متولی‌باشی حرم قم در اعتاب عالیات از سوی زائران ایرانی. (سند ش: ۹۰۳۴۸۹ به سال ۱۳۱۳ ش).



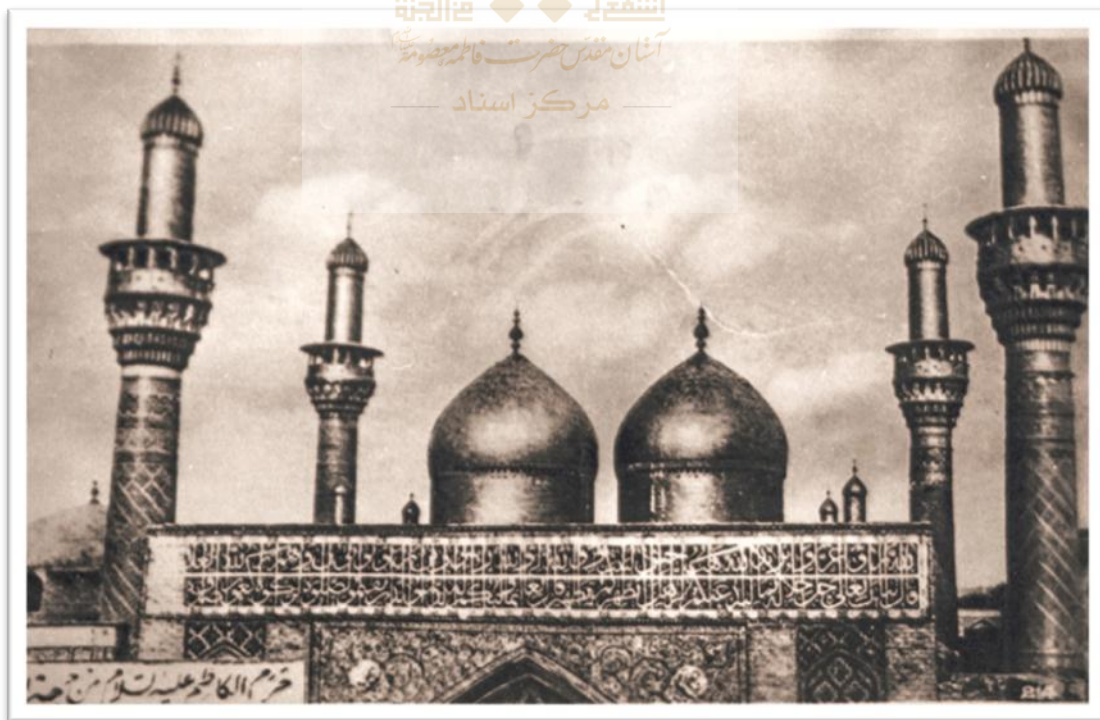
- تصاویر قدیمی از عتبات عالیات در دوره پهلوی (به شماره ۲۴۰۲ اسناد

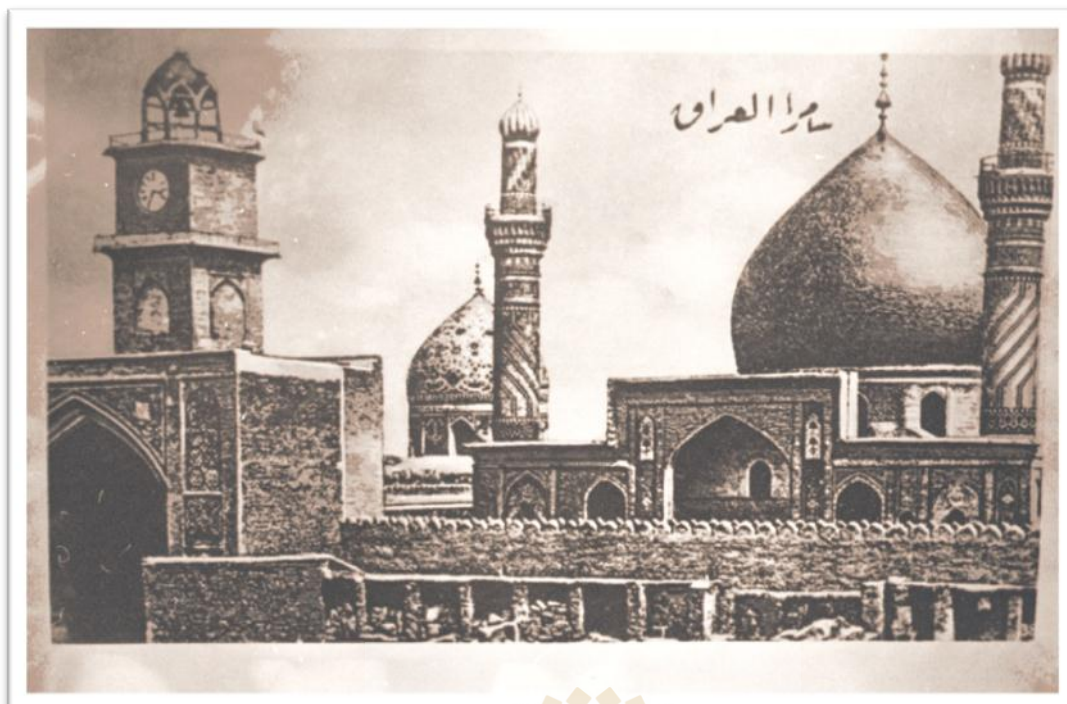
دیداری) موجود در مرکز اسناد آستان مقدس فاطمی





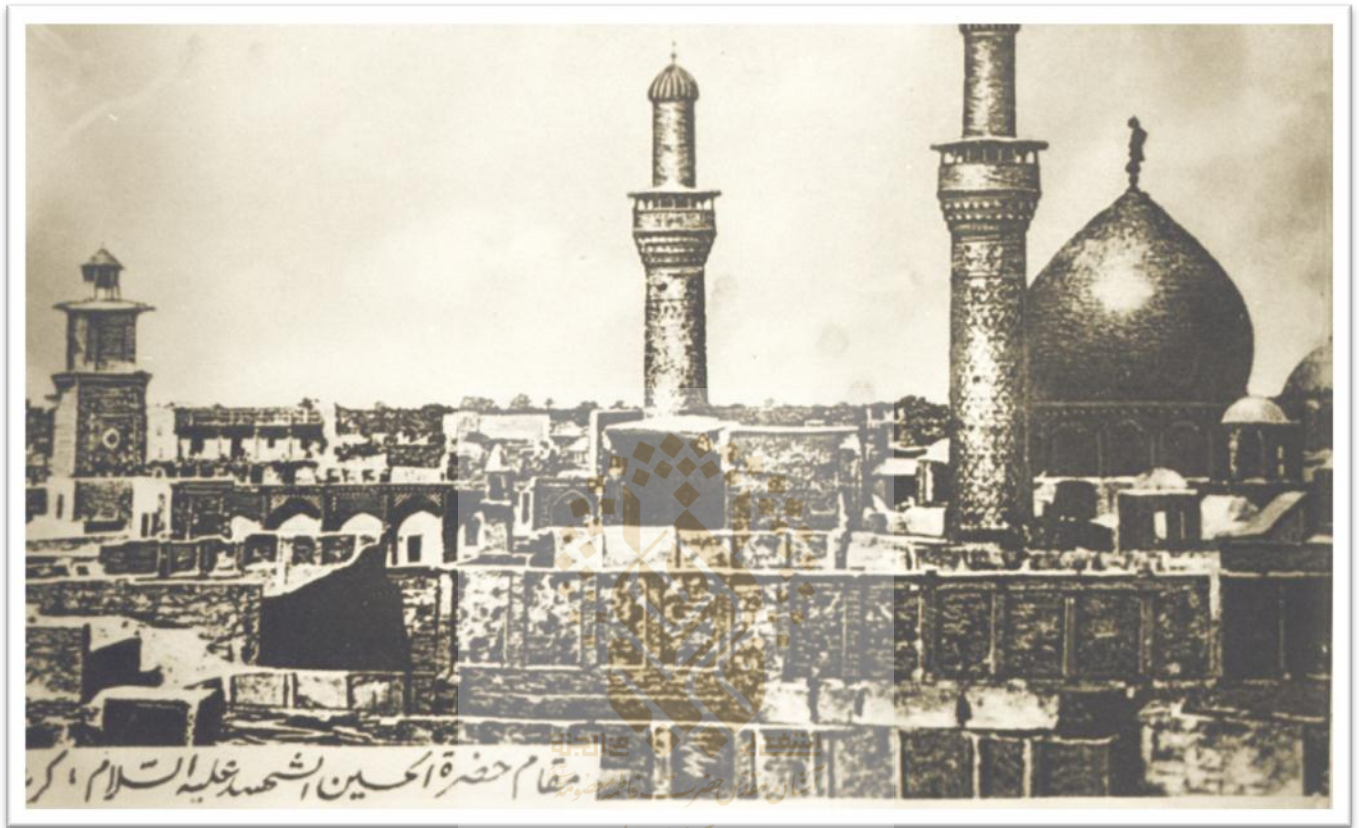
انستیتوت الحجة
آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه
مرکز اسناد





مركز اسناد
آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه
ع





— مرکز اسناد —